

## انتخابات و اپوزیسیون

مارکسیستها مدتها پیش طرز برخورد اصولی شان را نسبت به انتخابات مشخص کردند. احزاب دست راستی - از پوریشکوویچ تا گوچکف - بورژوازی لیبرال - سلطنت طلب (کادتها و ترقیخواهان) و دمکراتها (دمکراتهای کارگری و دمکراتهای بورژوا یعنی ترودویکها) سه اردوی اصلی رقیب در انتخابات هستند. تفاوت بین این اردوها چیزی پایه‌ای است، چرا که آنها طبقات متفاوتی را نمایندگی می‌کنند و برنامه‌ها و تاکتیکهای کاملاً متفاوتی دارند. نتیجه گیریهای عملی صحیح در رابطه با کارزار انتخاباتی تنها در صورتی می‌توانند گرفته شوند که اصولی که بر مبنای آنها هر یک از سه اردو سیاستش را پایه‌گذاری می‌کند، به روشنی درک شوند.

مارکسیستها حدود شش ماه پیش این اصول را کاملاً تصدیق کردند\*، و از آن زمان درستی شان بالاتر از همه توسط اظهارات اپوزیسیون لیبرال ثابت شده است. «همسایه‌ها و دشمنان دست راستی» ما در حالی که به هیچ وجه دیدگاههای ما را ندارند، با شوری ستودنی، بهترین تأیید را برای درستی نکات [مورد باور] ما فراهم کرده‌اند. ما می‌توانیم قانون زیر را اعلام کنیم: پیشرفت فعالیتهای سیاسی و دیدگاههای کادتی، مدارک عالی‌ای را برای پشتیبانی از دیدگاههای مارکسیستی ارائه می‌دهد. یا، به عبارت دیگر: وقتی یک کادت شروع به صحبت می‌کند، شما می‌توانید مطمئن باشید که او دیدگاههای پیروان سیاست لیبرال کارگری را با تأثیری که کمتر از [صحبت] یک مارکسیست نیست، رد می‌کند.

ضمناً، بدین دلیل است که برای کارگران، نگرستن با دقت به سیاست کادتی، نفع مضاعف دارد: اول از همه، آنها با بورژوازی لیبرال به خوبی آشنا می‌شوند، و دوم، یاد می‌گیرند که با وضوح بیشتری اشتباهات برخی حامیان طبقه کارگر را ببینند.

از نظرات اخیر رچ راجع به اظهارات مهم ماقبل انتخاباتی ایراد شده توسط روسکیه و دوموستی می‌توان انتظار این نفع مضاعف را داشت. اینها اظهارات ایراد شده توسط آقای آکیموف (و. ماخنوتس)، یک اکونومیست قدیمی، یعنی یک اپورتونیست دوره ۱۹۰۲-۱۸۹۷، هستند. آنها برابر هستند با دفاع رک و راست از «بلوک ترقیخواه»، که «پلاتفرم» شان (پلاتفرمی که اتفاقاً منتشر نشده است!) را آقای آکیموف، که خواسته خود را سوسیال دمکرات بنامد، «کاملاً پذیرفتنی برای سوسیال دمکراتها» می‌داند.

به ما از طرف تعداد زیادی کودکان سیاسی (از پاریس تا کراسنویارسک) و دیپلماتهای کهنه کار (از وین تا ویلنا)[۱] گفته شده و هنوز هم گفته می‌شود که سیاست لیبرال کارگری یک «لولو» است. ولی نگاهی به آقای آکیموف بکنید مخالفین عزیز من! شما احتمالاً نه خواهید توانست انکار نمایید که آکیموف تجسم آشکار سیاست لیبرال کارگری است، و نه اینکه او بی‌همتا است، یعنی او پدیده‌ای مجزا، چیزی کمیاب و بی‌نظیر و در نوع خود یگانه است. چرا که با وجود متعدد بودن خصائل منحصر به فرد آکیموف، او پدیده‌ای مجزا نیست، و دروغ محض خواهد بود اگر گفته شود که او چنین است. او اظهاریه‌اش را به تقلید از آقای پروکوپویچ و به روش وی بیان کرد. او برای خودش یک روزنامه لیبرالی که تیراژ بالایی دارد تأسیس کرد، کرسی خطابه مناسبی که از طریق آن سخنرانیهایش به دورستها انتقال می‌یافتند. او «وجه‌های

\* به صفحات ۳۹۷-۴۰۲ از متن انگلیسی جلد ۱۷ مجموعه آثار لنین مراجعه نمایید - ویراستار.

مثبت» در بین روزنامه نگاران لیبرال کسب کرد. متأسفانه او پدیده‌ای مجزا نیست. مهم نیست که او از مدت‌ها پیش به هیچ گروهی تعلق ندارد. مهم نیست که حق او برای استفاده از عنوان «سوسیال دمکرات» مطلقاً جعلی است. اما او نماینده یک خط سیاسی است که ریشه دار می باشد، که زنده است و اگر چه غالب اوقات پنهان می شود، همواره خود را هنگامی که کمترین احیاء فعالیت سیاسی وجود دارد آشکار می سازد.

رچ «اعتبار کامل به واقع گرایی هوشیارانه» استدلالات آقای آکیموف می دهد، و با خرسندی خاصی بر عقیده‌اش مبنی بر اینکه «سوسیال دمکراتها باید در حال حاضر آن اهداف سیاسی شان را به پیش گذارند که حمایت قسمتهای به اندازه کافی بزرگ و از نظر سیاسی قدرتمند مردم را داشته باشد» تأکید می کند.

مسلاً رچ دلیل خوبی دارد که شادی کند. آنچه را که ناشایز با هزار پیچ و تاب، با احتیاط فراوان، با پاک کردن رد پایش و به نمایش گذاشتن عبارات شبه مارکسیستی می گوید، آقای آکیموف رک و راست، نسبتاً بی پروا، نسبتاً ساده، با بی ریایی مایل به معصومیت می گوید.

از دیدگاهی رسمی، البته برای سلب همه مسئولیت از آقای آکیموف، ناشایز با هزار پیچ و تاب و نوسکی گولوس کاملاً در یک موضع قرار دارند. ولی چیزی که در واقعیت اتفاق می افتد اینست که خواننده بطور عام، که چیز زیادی درباره نکات ظریف نمی داند و آنها برایش جالب نیستند، از این مطبوعات انحلال طلب، «آکیموفیسم» را نتیجه می گیرد و نه هیچ چیز دیگری جز «آکیموفیسم». ر. مارتف نوشت «به آرمان ترقیخواهان صدمه نزنید». آکیموف که طبیعتاً در نظر دارد که غیر هوادار حزبی بودن ترقیخواهان حفظ استقلال هر حزبی را (روی کاغذ) آسانتر می سازد، می نویسد «آن اهدافی را به پیش گذارید» که حمایت ترقیخواهان را خواهند داشت. به پیش گذاشتن اهدافی بیش از آنچه که برای ترقیخواهان پذیرفتنی است، دقیقاً به معنی «صدمه زدن» به آرمانشان می باشد - شعار مارتف اینچنین توسط مبارزه سیاسی حقیقی، توسط اجتماع که آکیموف به این خوبی نمایندگی اش می کند، تفسیر می شود.

آکیموف باور دارد که کادتها و ترقیخواهان «قسمتهای به اندازه کافی بزرگ و از نظر سیاسی قدرتمند مردم» را تشکیل می دهند. این همان نوع دروغ لیبرالی است که نوسکایا زوزدا اخیراً در مقاله‌ای راجع به ماهیت و اهمیت بحث و جدلهای مارکسیستها علیه لیبرالها، درباره‌اش نوشت.\* با این حال، در حقیقت، بورژوازی لیبرال - سلطنت طلب، در کل، مرکب از کادتها، ترقیخواهان و خیلی های دیگر، قسمت بسیار کوچکی از مردم است، قسمتی که فوق العاده از نظر سیاسی ضعیف است.

بورژوازی هیچگاه نمی تواند قسمت بزرگی از مردم را تشکیل دهد. در رابطه با از نظر سیاسی قدرتمند بودن، می تواند در یک سری کامل از کشورهای سرمایه داری اینطور باشد و چنین است، ولی نه در پروس یا روسیه. در این دو کشور، ناتوانی سیاسی شگفت انگیز، هولناک و باورنکردنی اش با این واقعیت که بورژوازی در اینجا خیلی بیشتر از انقلاب می ترسد تا از ارتجاع، کاملاً توضیح داده می شود. ناتوانی سیاسی نتیجه اجتناب ناپذیر این است. همه صحبت درباره «قدرت سیاسی» بورژوازی تماماً دروغ است، و در نتیجه، اگر از این ویژگی بنیادی وضع امور در روسیه طفره رود، به هیچ دردی نمی خورد.

آقای آکیموف به عنوان رک و راست ترین و معتدل ترین لیبرال ظاهر گشته است. او می گوید که آقایان کادت و ترقیخواه، ما شما را به عنوان یک نیرو در نظر می گیریم. ما کاملاً پلاتفرم

---

\* به صفحات ۱۲۸-۱۲۲ از متن انگلیسی جلد ۱۸ مجموعه آثار لنین مراجعه نمایید - ویراستار.

شما را می‌پذیریم (اگرچه چنین پلاتفرمی وجود ندارد!) و ما خودمان هم اکنون آن اهدافی را به پیش می‌گذاریم که مورد پشتیبانی شما هستند. تنها چیزی که از شما می‌خواهیم اینست که «لیست بلوک [ترقیخواه] باید سوسیال دمکراتها را دربر بگیرد». این، کلمه به کلمه، آن چیزی است که آکیموف نوشت! من همه چیز را می‌پذیرم، هر چیزی را، فقط اگر مرا در لیست لیبرالی قرار دهید!

این واقعاً بی‌نزاکتی از طرف رچ بود که حتی چنین درخواست معتدلانه‌ای را رد نماید. کادتها به آکیموف یادآوری می‌کنند که به هر حال، موضوع رأی دهندگان سوم ژوئن است. و سوسیال دمکراتها در میان آنان به چه میزان هستند؟ هیچ، «به استثنای شهرهای بزرگ، که در مورد آنها چنین مسئله‌ای وجود ندارد». و روزنامه کادتی رسمی با مهربانی به آکیموف فروتن و مطیع می‌آموزد که: «به غیر از مناطق مرزی، آنها [سوسیال دمکراتها] تقریباً همه جای دیگر باید نه توسط امید به ارائه نامزدهای خودشان بلکه توسط ملاحظات درباره پیروزی بلوک ترقیخواه بر بلوک ارتجاعی ستمگران بر مردم، هدایت شوند.»

لیبرال با بی‌ادبی از گرفتن دستی که از سوی سیاستمدار لیبرال کارگری دراز شده است سر باز می‌زند! پاداشی سزاوار برای امتناع از مبارزه کردن در شهرهای بزرگ. کادتها می‌گویند از آنجا که ما قوی هستیم، شهرهای بزرگ متعلق به ما هستند، و بقیه روسیه متعلق به ماست چون افراد سوم ژوئن و قانون سوم ژوئن شان، که انحصار ما را در اپوزیسیون تضمین می‌کنند نیز قوی هستند.

پاسخ بدی نیست. درسی که به آکیموف آموخته شده، بی‌رحمانه اما مفید است.

نوسکایا زوزدا

شماره ۱۴

۲۴ ژوئن ۱۹۱۲

امضاء: ک. ف.

مجموعه آثار لنین، جلد ۱۸

## توضیحات

۱- منظور لنین از «کودکان سیاسی» آشتی طلبان بلشویک که در روسیه و خارجه گروههای کوچک خودشان را داشتند است.  
«دیپلماتهای کهنه کار»، مثنی انحلال طلب که حول پراودای وین تروتسکی جمع شده بودند و رهبران بودند.

---

کمونستهای انقلابی

<http://www.k-en.com>

[info@k-en.com](mailto:info@k-en.com)